ادامه از صفحه اول

حاتمی‌کیای ما، حاتمی‌کیای دیگران

دلیل عمده‌اش اینگونه اســت، در سال‌های اخیر آنقدر ادبیات «مدیحه‌سرایی» و ترکیب پرافاده «سکوت مصلحتی» جــولان داد که فضای تپنده هنری را به پیکری بی‌جان و ازنفس‌افتاده تبدیل کرد. پس تقصیر فیلمساز نیست، بلکه قصور و البته گناه زمانه است که فضا به این مسیر سوق داده شد و البته چه حیف!

۲- آقای حاتمی‌کیا! گفته بودید که «به‌واســطه مردم و تماشــاگران حاتمی‌کیا شــدم و نه به‌واســطه عزیزان مطبوعاتی». از صراحت کلامتان اینگونه استفاده می‌شود که دلخوشی از رسانه‌ها و مطبوعات ندارید. اما سوال این است که حرف‌های شــما کجا و چگونه به اطلاع مردم و تماشــاگرانتان می‌رســد؟ شــما این‌روزها در مراسم‌های مختلف حرف‌هایتان را در قالب ســخنرانی و در اصل به شــکل «مونولوگ» مطرح کردید. در اینگونه سخنرانی‌ها فقط یک‌نفر حرف می‌زند و بقیه فقط شــنونده هستند. چرا؟ دســت‌کم چقدر خوب می‌شــد مثل اغلب اوقات، حرف‌هایتان را در قالب «دیالوگ» مطرح می‌کردید و حتما می‌دانید هیچ‌جایی بهتر از رسانه‌ها و به‌خصوص روزنامه‌ها برای بیان دیدگاه‌هایتان نیست. اما چرا در قبال مطبوعات چنیــن موضعی گرفتیــد، دلیلش معلوم نیســت! حتما می‌دانید که شما مدافعان کمی ندارید و بسیاری از همین افراد با فیلم‌های شما زندگی کرده‌اند و می‌کنند. امید است اگر حرف حقی است، باطلی از آن اراده نشود.

۳- گفته بودید، این‌روزها دلتنگ شهید آوینی هستید. او حامی بزرگتان بود. وقتی او را از دســت دادید در لحظه اول متوجه نشدید چه کسی را از دست داده‌اید، اما هرچه زمان گذشت بیشتر فهمیدید که چقدر جای او خالی است. بله! واقعا جای او در سینمای ایران خالی است. ما هم دلتنگ اوییم. او هیچ‌وقت نمی‌گفت همه حقیقت پیش من است. به اصل نقد و تعامل اعتقاد داشت و مهم‌تر اینکه سینما و کلا هنر دغدغه او بود و چقدر خداوند او را گرامی داشت که او را با مقام شهادت ارج نهاد. حال به‌نظر شما اگر الان آقامرتضی زنــده بود چه جایگاه و فرجامی داشــت؟ برای ما هم مثل شما این پرســش مطرح است که چرا در این روزگار جای چنین افرادی خالی اســت. واقعا چرا؟! بیان کردید سینما برای من بت نیست. فرش قرمز برای ما مسیر خون است. ما با چیزهایی عجین بودیم که نمی‌توانیم از آن دست بکشیم. کجاســت قلم‌هایی که با قدرت پای این بحث‌ها بایستد؟ اتفاقا ما باید بپرسیم در این سال‌ها چه اتفاقی افتاده؟ راستی چرا در آن دوره که فیلم «گزارش یک جشــن» را ساختید، اکران نشد؟ چرا با شما چنین کردند؟

۴- گفتــه بودید، اصــرار دارم خــودم را صرف جامعه ســینمایی نکنــم و علاقه‌ای به این بحث نــدارم. نه اینکه علاقه نداشته باشم؛ عشقم سینماســت، اما غرق‌شدن در آن را نمی‌پســندم و فکر می‌کنــم برخی در این عالم غرق شــده‌اند و سینما برایشان بت شده است. آقای حاتمی‌کیا! من همیشه به‌مثابه یک مشتاق جدی، پیگیرانه سینمای شما را دنبال کرده‌ام. مگر می‌توانم لحظاتی را که با قهرمان «از کرخه تــا راین» کنار رود «راین» کــه با خدای خودش نرد عشــق می‌باخت اشــک می‌ریختم، فراموش کنم. من دست‌کم برای اشک‌های خودم حرمت قایلم و به حرمت آن نمی‌توانم نسبت به فیلم‌های شما بی‌تفاوت باشم. روزی که فیلمسازی را شروع کردید، کمتر کسی شما را نمی‌شناخت. اما شــما به دلیل تسلطتان به زبان سینما فیلم‌های نسل ما را ســاختید. آرمان‌های نسلی زنده و واقعی را به تصویر کشــیدید. از طریق زبان سینما حرفتان را زدید و اگر غیر از آن بود، اصلا فیلمی نبود که تماشاگران دنبال مولف آن باشند. اصلا روزی که فیلم «هویت» را دیدم، نوجوانی بودم عاشق سینما. باور کنید متحیر شدم که چه‌کسی این فیلم را ســاخته. بعد از آن «هویت» شــما شد هویتمان و ما هم دنبال شما و کارهایتان. نه «فرمانده»! نمی‌توانم بپذیرم که در سینما غرق نشده‌اید. شما غرق شده‌اید، اما دلتنگ هستید و خسته. ما هم چنین احوالی داریم که هرکداممان در جزیره تنهایی خود سیر می‌کنیم و خبر از احوال یکدیگر نداریم و این یعنی حالمان بد است. اگر هم کسی گفت حالمان خوب است، تو باور نکن!

۵- می‌دانم ابراهیم حاتمی‌کیا احساساتی است و این نه خوب است و نه بد. بلکه خصلتی انسانی است. وقتی چیزی آزرده‌اش می‌کند بروز می‌دهد. چون آنقدر فیلمســازی در ایران برایش جدی است که اغلب در جشنواره‌ها حاشیه‌های فیلمش در کنار متن آن خبرســاز است. آقای حاتمی‌کیا! حاشیه جشنواره ســی‌ودومین فیلم فجر هم از این دست بــود. اما واقفم که شــما با این نوع مســایل بیش از همه آشــنایید. حتما یادتان هست برای فیلم «از کرخه تا راین» چه خون‌دلی خوردید. الان کســانی که عاشق سینه‌چاک این فیلمنــد، آن‌موقع چه بودند و چه کردند؟ «خاکســتر ســبز»، «برج مینــو»، «بوی پیراهن یوســف»، «موج مرده»، «آژانس شیشــه‌ای» و... هم این مسایل را به‌دنبال نداشت؟ حاج‌کاظم «آژانس شیشه‌ای» در ظرف زمان و مکان خودش حــرف دلش را زد. اتفاقا بوی دود موتورهای راکبان حالش را به‌هم می‌زد. حالا بوی آن دود از کجا می‌آید؟ مگر درباره «برج‌مینو» نگفتید که هر تحولی با درد همراه است. شما که دردآشنا هستید، شرایط جدید سینما را همچون گذشته می‌پندارید؟ واضح است که مسوولان جشنواره نهایت تلاش را کردند تا جشنواره آبرومندانه برگزار کنند. اما ما هم مثل شما معترض بودیم به اختتامیه. دبیر جشنواره با نیت خیر خواســت دل همه را به دســت بیاورد که البته نتوانست و نقص‌غرض شد. دست آخر به سر «منزل» مقصود نرسید و حال باید برای دبیری جشنواره سال آینده با «منزل» خود مشــورت کند که بپذیرد یا نه! اما از آن بعد کلامم متوجه شما نیست. اما حتما بهتر از من می‌دانید از آن‌سو تدوینگر فیلمی هنگام دریافت ســیمرغش از اینکه فیلم رقیبش از مسابقه خارج شده ابراز خوشحالی کرد! آهنگساز برنده هم اعلام کرد ســینمای ایران به آهنگســاز خارجی احتیاجی ندارد و... نمی‌دانم چه نامی می‌توانم بر این واکنش‌ها بگذارم. اما اگر هر شرایطی حاکم بوده، متوجه همه است: گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست.

عکس: محمد مویدی، شرق

سرنوشت آثار تناولی در انتظار رای نهایی دادگاه

«دیوارهای ایران» سرگردانند

سحر آزاد: مجسمه‌های خانه به‌دوش پرویز تناولی این روزها در کشــمکش میان سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری و این مجسمه‌ساز ســرگردانند. از یک طرف تناولی از نحوه رفتار ســازمان فرهنگی‌هنری شهرداری در انتقال آثارش گله‌مند اســت و از سوی دیگر مســوولان این سازمان می‌گویند آثار تــا زمان اعلام حکم نهایی دادگاه باید در یک محل بی‌طرف نگهداری شــود. طی یک‌ماه گذشــته آثار پرویــز تناولی در رفت‌وآمد بین خانه مجسمه‌ساز و موزه امام‌علی(ع) بوده‌اند. ۱۱قطعه مجســمه پرویز تناولی که چندی پیش با دستور دادگاه به خانه او در حوالی خیابان نیاوران منتقل شــده بود، شامگاه یکشنبه ۲۵ اســفند دوباره با دستور دادگاه به موزه هنرهای معاصر منتقل شــدند تا تکلیف آنهــا با رای نهایی دادگاه مشخص شود. تناولی قصد داشت خانه‌اش در نیاوران را بــه موزه تبدیل کند و آثارش را آنجا نمایش دهد. خانه او در دوران مدیریت محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان شهردار تهران، بر اســاس قراردادی بین تناولی و ســازمان فرهنگی، هنری شــهرداری، از این هنرمند خریداری شــد. آن زمان شهردار وقت تهران خانه مســکونی تناولــی را به موزه تبدیل کرد و تعداد ۶۰ قطعه از آثار را نیز خرید و در آن به نمایش گذاشت اما عمر موزه کوتاه بود و با تغییراتی که در مدیریت شهرداری به وجود آمد، موزه تعطیل و آثار به انبارهای شهرداری منتقل شد. با این اقدام، پرویز تناولی که حالا خانه‌اش دیگر کارایی موزه نداشت، در پی بازپس‌گیری ملکش افتاد و سرانجام پس از شش‌سال کش‌وقوس، ملک با رای «مجتمع قضایی عدالت» به او بازگردانده شــد. طی این ۱۰سال تناولی بارها تقاضای بازپس‌گیری آثارش را نیز کرده اســت. او حتی چندی قبل نامه‌ای خطاب به محمدباقر قالیباف، شهردار تهران نوشت و در آن خواهان بازپس‌گیری آثار خود شد. حالا در تازه‌ترین اتفاقی که برای این آثار پیش آمده، روز ۲۵ اسفند در حالی کــه نماینده دادگاه مقابل خانه تناولی حضور یافته بود، این ۱۱مجسمه با لیفتراک، حمل و توسط جرثقیل پشت کامیون قرار گرفتند. عملیات حمل‌ونقل البته بنا به مشاهدات خبرنگار «شــرق» به شــکلی غیراصولی انجام شد تا جایی که یکی از مجسمه‌های بزرگ برنزی هنگام جابه‌جایی از قلاب جرثقیل ســقوط کرد و دچار صدمه شــد. تناولــی از این جابه‌جایی غیراصولی به‌شدت ناراحت و بارها به کارگران و عوامل مستقر در خانــه‌اش معترض شــد. او در مورد بردن مجســمه‌ها از منزلش گفت: «حدود ســاعت چهاربعدازظهر روز ۲۵ اسفند در منزلــم بودم که حدود ۲۰نفر با شکســتن قفل‌های در و واردشــدن از در ســرایدار وارد شــدند. آنها ماموران سازمان فرهنگی، هنری شهرداری بودند که جرثقیلی هم برای انتقال آثار همراهشان بود. وقتی از آنها خواستیم حکم خود را نشان دهند، از این کار ممانعت کردند.» تناولی با تشریح اتفاقاتی که در مقابل خانه‌اش رخ داده است؛ گفت: «همسایه‌ها با دیدن این صحنه‌ها بــا دخترم تماس تلفنی گرفتند. در این مدت ماموران شهرداری شروع به انتقال ۱۱مجسمه‌ای کردند که از موزه امام‌علی(ع) تحویل گرفته بودیم. این مجسمه‌ها حجم زیادی دارند و وزن برخی از آنها به دوتن می‌رســد به همین دلیل انتقالشــان باید روی حســاب و کتاب و با بسته‌بندی درســت صورت بگیرد درحالی که ماموران شهرداری به این مســایل توجه نکردند و باعث ایجاد خســارت به تعدادی از مجســمه‌ها شدند.» تناولی افزود: «ســه مجسمه «دیوارهای ایران»، «یادبودی برای فرهاد کوه‌کن» و «شــیرین و فرهاد» از جمله آثاری هســتند که در این انتقال صدمه دیدند. زنجیر جرثقیل هنگامی که مجسمه دیوار ایران در ارتفاع شش‌متری از ســطح زمین قرار داشت، باز شد و این اثر به زمین افتاد و آسیب زیادی دید.» او در مورد دلیل انتقال این آثار به منزلش گفت: «در دادگاهی که ششم بهمن برگزار شد، حکمی صادر شد که بر اساس آن می‌توانستم آثار را به منزلم منتقل کنم. وقتی به موزه امام‌علی(ع) رفتیم تنها ۱۱مجســمه را که در تالارهای موزه قابل مشاهده بود، پیدا کردیم و به ما گفتند ۴۷ اثر دیگر در انبارها نگهداری می‌شوند درحالی که تاکنون بقیه آثار، در این موزه نمایش داده نشده‌اند اما دادگاه بار دیگر رای داد که باید ۵۷ اثر به موزه هنرهای معاصر تهران منتقل شود که ۱۱مجسمه از منزل من به موزه منتقل شده است اما هنوز از انتقال ۴۷ اثر دیگر به موزه هنرهای معاصر خبری نیست.»

به گفته او این آثار به شرطی به سازمان فرهنگی، هنری شــهرداری فروخته شــده بودند که منزلش به موزه تبدیل شــود و آثار در این موزه به نمایش گذاشته شود: «در قرارداد فروش این آثار قید شده بود به شرطی آنها را می‌فروشم که در موزه‌ام به نمایش گذاشــته شود. این قرارداد یک‌ساله بود و مقرر شــده بود بعد از یک‌سال تمدید شــود اما موزه من تنها پنج‌ماه فعالیت کرد و به یک‌ســال هم نکشید که حتی بخواهیم قرارداد را تمدید کنیم. بنابراین چون موضوع فعالیت موزه از بین رفته اســت، آثار باید به من برگردانده شوند.» اما یک‌ســر این ماجرا به موزه امام‌علی(ع) برمی‌گردد که محل نگهداری ۱۱مجســمه بزرگ تناولی بوده اســت و در تاریخ ۱۷ اســفند از این محل به خانه تناولی منتقل شده‌اند. امیر عبدالحسینی، مدیر موزه و مدیر امور حجم سازمان فرهنگی، هنری شهرداری در شرح ماجرای انتقال آثار به «شرق» گفت: «روز پنجشنبه، ۱۷ بهمن روز تعطیلی بود که از موزه با من تماس گرفتند و گفتند وکیــل آقای تناولی به‌همراه نیروی انتظامی برای بازپس‌گیری آثار آمده اســت. من خودم را به موزه رساندم و با آقای ماحوزی وکیل تناولی صحبت کردم. حتی ایشــان با آقای تناولی در کانادا تماس گرفت و من به صورت مفصل با او صحبت کــردم.» او در مورد صحبتی که با تناولی انجام داده است، افزود: «از او خواهش کردم تا زمان صدور رای نهایی دادگاه، آثار در موزه بماند چرا که این آثار با برچســب و در شرایط مناسب در تالارهای موزه امام‌علی(ع) نگهداری می‌شــدند اما حرف‌هایم پذیرفته نشد و بر اساس حکــم موقت، آثار باید در اختیار حافظ اموال قرار می‌گرفت. تناولی حافظ اموالی مشخص کرده بود که حافظ اموال نیز آثار را به منزل خود این مجسمه‌ساز منتقل کرد.» عبدالحسینی ادامه داد: «ســازمان فرهنگی، هنری شهرداری نیز نسبت به ایــن موضوع گله کرد و گفــت که حافظ اموال باید یک فرد ثالث موردوثوق باشد و به‌همین دلیل حکمی از مراجع قضایی گرفت که آثار به موزه هنرهای معاصر تهران منتقل شود. آنها چندبار به منزل تناولی مراجعــه کردند که یا آنها در منزل نبودند یا اینکه درها را باز نمی‌کردند تا اینکه ۲۵ اســفند با داشتن مجوز قضایی، ماموران سازمان درها را باز کردند تا آثار به موزه هنرهای معاصر تهران منتقل شــود.» او در مورد این گفته تناولی که ماموران شــهرداری در مراجعه به منزل این هنرمند حکمی نشــان نداده‌اند، گفت: «طبیعتا آنها با ضابط قضایی رفته‌اند و نماینده قوه‌قضاییه با آنها بوده است اما روزی نیز که وکیل تناولی برای بردن آثار به موزه امام‌علی(ع) آمده بود، حکم را به ما نشان نداد و در آخر که آثار درحال بارگیری بود، نســبت به اقدام آنها متعاقد شــدم.» او در بخش پایانی صحبت‌هایش گفت: «به‌غیر از مجسمه‌های بزرگ که در موزه امام‌علی(ع) نگهداری می‌شدند و جای ثابتی داشتند بقیه آثار در گنجینه سازمان فرهنگی، هنری شهرداری هستند. ضمن اینکه من فکر می‌کنم اگر مجســمه ایشان از ارتفاع بلندی افتاده بود، باید تکه‌تکه می‌شد درحالی که وقتی عکس‌های مربوط به انتقال آثار را دیدم، مجسمه‌ها طوری آسیب ندیده بود که یکی از آنها بر اثر افتادن تکه‌تکه شــده باشد و تقریبا صحیح و ســالم بودند.» مجید ملاتوروزی، سرپرســت موزه هنرهای معاصر و مدیر مرکز هنرهای تجســمی نیز با تایید اینکه ۱۱مجسمه به این موزه منتقل شده، به «شرق» گفت: «آثار در شــرایط مناسبی قرار دارند و قرار است تا زمانی که رای نهایی صادر شــود، موزه هنرهای معاصر تهران به‌عنوان محلــی برای نگهداری آثار باشــند.» ۱۱ اثر پرویز تناولی در حال حاضر در حوزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شوند تا رای نهایی دادگاه صادر شود.

محمد احسانی:

اولویت‌ها به معنای انکار سایر دیدگاه‌ها نیست

بــا اعــلام اهــداف، اولویت‌ها و ضوابط اعطای مجــوز ســاخت فیلم‌ها در ســال ۱۳۹۳ توســط محمد احســانی، معاونت ارزشیابی و نظارت سازمان ســینمایی، رویکردهای جدیــد مدیریت ســینما در دولــت تدبیر و اعتدال تبیین شد.

طبق گزارش رســمی روابط‌عمومی سازمان سینمایی، تحکیم و ترویج ارزش‌های انقلاب اســلامی و دفاع‌مقدس، تحکیم نهاد خانواده و محوریت‌بخشی به آن، ایجاد و تقویت فضای امید، کار و تلاش و نشــاط اجتماعی، ایجاد و تقویت روحیه احترام به اخلاق و قانون در روابط اجتماعی و معرفی و ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی اهداف موردنظر شورای پروانه ســاخت خواهد بود. محمد احســانی در گفت‌وگوی اختصاصی با «شــرق» با توجه به کلیدی‌بودن نقش شورای پروانه ســاخت در شکل‌گیری چشم‌انداز سینمای ایران در ســال آینده عنوان کــرد: «آنچه تحت عنــوان اهداف اعلام شده، درواقع «نگاه» کلی معاونت ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی به سینماست و به این معنی نیست که رویکردها و نگاه‌های دیگر از ســوی فیلمســازان در چارچوب قوانین کشور نادیده گرفته می‌شود.» احسانی در برابر این پرسش که اهداف اعلام نظر آیا شایبه محدودکردن موضوعات و نگاه‌ها را دامن نمی‌زند، گفت: «اصلا اینگونه نیست. اتفاقا درباره این مسایل در شورای پروانه ساخت به‌طور مفصل بحث شد. ما درحقیقت در ابتدای حرکتمان «جریان کلی» ســینما را در نظر گرفتیم تا از طریق آن هم بتوانیم به اقتصاد ســینمای ایران کمک کنیم و هم تعادلی در نظام عرضه و تقاضا (تولید و نمایش) به وجود آوریم و هم تنوع مضامین داشته باشیم.»

همچنیــن طبق این گزارش اولویت‌های ســاخت فیلم در مرحله تصویب و حمایت‌های بعدی شامل آثار قصه‌گو، قهرمان‌محــور و بدون پایان باز، آثار بــا محوریت کودک و نوجوان، آثار طنز و دارای فضای مفرح، آثار اجتماعی با نگاه واقع‌بینانه توام با نگاه نقادی مشفقانه، منصفانه و مصلحانه و آثار اقتباسی از ادبیات نمایشی و متون ایرانی می‌شود.

در ادامه معاون اداره ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی به این پرسش که اساسا اولویتی همچون «آثار قهرمان‌محور و بــدون پایان باز» به معنای تحدید فیلمســازی و دخالت در امر زیبایی‌شناســی فیلم نیست، اینگونه پاسخ داد: «من متوجه دغدغه شما می‌شــوم و هدف ما هم این نیست. ما ســرفصل‌هایمان را بر اساس سیاســت تنظیم بازار در نظر گرفتیم. به این معنی که یکــی از پارامترهای مهم برای ما نظرسنجی از مخاطبان فیلم‌هاست. طبق همین نظرسنجی مخاطبان معمولا به فیلم‌هــای بدون پایان باز علاقه‌مندند. ســازمان ســینمایی با درنظرگرفتن دغدغه‌های مخاطبان اولویت‌های خود را معرفی کرد. چون اقتصاد سینما خیلــی مهم اســت. الان یکــی از مشــکلات مهم ســینمای ایــران اقتصاد نحیــف آن اســت. پس سعی کردیم زیرساخت‌ها را ترمیــم کنیــم. چون اصــولا اگــر ســینمایی نباشد، قطعا ارتقایی هم وجود نخواهد داشت. البته ما به سینمای از نوع هنر و تجربه هم اعتقاد داریم و انشاءالله سال آینده سیاست‌هایمان را اعلام می‌کنیم»

در پایان این گزارش تبصره‌ها و ضوابط فیلمسازی عنوان شد که به این شــرح است: «شــورای پروانه ساخت تعادل بین تولید و نمایش و تنــوع حداکثری ژانرها و مضامین را به‌صورت منظم پایش نموده و تصمیمات متناسب را اتخاذ خواهد کرد. ضمنا مجوز فیلم‌های اول تا ســقف ۱۵درصد عناوین مصوب در هر فصل اســت و متقاضیان شــرکت در جشنواره فجر منحصرا باید از شورای پروانه ساخت سینمایی پروانه ساخت اخذ کنند.» ضمن اینکه ضوابط تهیه‌کنندگی در سال آینده به این شکل خواهد شد: «تهیه‌کننده مسوول اصلی پــروژه و پاســخگوی شوراســت حتــی در مواردی که مســتقیما اقدام به عقد قــرارداد نکرده باشــد؛ پرونده متقاضیان تهیه‌کنندگی اول پــس از ارایه مدارک علمی و تجربی مرتبط در شــورا مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؛ تهیه‌کنندگــی و کارگردانــی اول به‌صــورت همزمان مجاز نیســت؛ هر تهیه‌کننده نمی‌تواند به‌طــور همزمان بیش از دو پروانه ســاخت اخــذ کند؛ تهیه‌کننده مســوول تطابق فیلمنامه مصوب با نســخه نهایی، انجام اصلاحات خواسته شده، تطابق ترکیب عوامل مندرج در پروانه ساخت و تیتراژ نهایی و انجام تعهدات مالی و حقوقی و اداری در قبال عوامل اســت؛ در صورت تعطیلی پروژه تهیه‌کننده موظف اســت مراتب را حداکثر تا یک هفته به اداره‌کل نظارت اعلام کند؛

تهیه‌کننده- کارگــردان در زمان پروانه ســاخت مجاز به‌کارگردانی پروژه دیگر نیست و احتساب سوابق تهیه‌کننده و کارگردان اول تنهــا پس از اخذ پروانه نمایش امکان‌پذیر است.» احسانی در پایان، نظر خود را درباره ساخت فیلم‌های فاخر چنین بیان کرد: «همان‌طور که می‌دانید در پروژه‌های فاخر تعداد فیلم‌ها چندان زیاد نیســت و مهم‌ترین مساله بودجه و اعتبارات آن است که تا آنجا که در جریان سازوکار آن در بنیاد ســینمایی شــکل می‌گیرد. از سویی به تعریف ما از پروژه فاخر برمی‌گردد که اساســا از نظر ما فیلم فاخر، لزوما فیلم پرخرج نیســت. می‌تواند فیلمی باشد ملی و در راستای اخلاقیات و آرمان‌هایمان ولی پرخرج نباشد. این نوع فیلم‌ها معمولا مشکل اخذ پروانه ندارند، بلکه بحث مدیریت و ساخت آن حایز اهمیت است.»

چهره روز

مرضیه برومند حکم دبیری را دریافت کرد

● **شرق:** بعد از گذشت چهار روز از اعلام نام مرضیه برومند به‌عنوان دبیر پانزدهمین جشنواره عروسکی تهران- مبارک حکم رسمی آن امضا شد. برومند در حالی دبیری این دوره از جشنواره عروسکی تهران را که در کمتر از شش‌ماه آینده در تابستان ۹۳ به صحنه می‌رود برعهده می‌گیرد که در سه دوره قبلی دبیرانی خارج از حدود تئاتر عروسکی این مسوولیت را برعهده داشتند. بعد از دوره دهم و یازدهم که بهروز غریب‌پور و مرحوم جواد ذوالفقاری، دبیری جشنواره تئاتر عروسکی را به‌دست داشتند، برومند گزینه‌ای از هنرمندان تئاتر عروسکی اســت که هدایت این جشنواره را به دست می‌گیرد. مرضیه برومند که این روزها در حال آماده‌سازی «شهر موش‌های۲» است یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های هنر عروسکی در ایران است که از سال‌ها قبل در حوزه تئاتر و تلویزیون حضور فعالی داشته است.

خبر

همکاری فرهنگسرای نیاوران و وزارت ارشاد

● قائم‌مقام شــهرداری منطقه یک و رییس فرهنگسرای نیــاوران در دیداری که در آســتانه نوروز صــورت گرفت، برای همکاری بیشتر میان این دو نهاد با یکدیگر به تعامل پرداختند. مدیران شــهرداری منطقه یــک تهران از جمله رضایی، قائم‌مقام شهرداری این منطقه از فرهنگسرای نیاوران بازدید و با سیدعباس سجادی، رییس فرهنگسرای نیاوران دیدار و گفت‌وگو کرد. این بازدید برای ایجاد تعاملات بیشتر میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری منطقه یک تهران انجام شد. همچنین در بخشی از این دیدار هزار اصله درخت تبریزی همزمان با آغاز بهار طبیعت در این فرهنگسرا کاشته و مقرر شد مبلمان شهری فرهنگسرا اصلاح شود و فضایی نزدیک به سه‌هکتار این مجموعه از سوی شهرداری ناحیه یک، مورد کاشت گونه‌های گیاهی قرار بگیرد.